

مکانیسم و مدل های قیمت گذاری نفت خام

Oil Pricing Mechanisms

در سال ۱۸۷۰ میلادی شرکت استاندارد اویل در آمریکا تأسیس شد و در سال ۱۹۱۱ بر اساس قانون مشهور ضد تراست شرمن (مصوب سال ۱۸۹۰) که انحصار را غیرقانونی می شمرد، استاندارد اویل به شرکت های کوچک تری تقسیم شد (Bhattacharyya, 2011: 326).

در سال ۱۹۰۷ با ادغام دو شرکت شل و رویال داچ شرکت رویال داچ شل شکل گرفت. این دو شرکت قبل از ادغام در اندونزی، روسیه و خاور دور فعالیت داشتند. قبل از جنگ جهانی اول تأمین نیازهای سوخت ناوگان جنگی بریتانیا چالش بزرگی بود که سبب شد دولت بریتانیا در تأسیس شرکت آنگلو-پرشین (بی پی امروز) مشارکت کند. پس از جنگ جهانی اول و در دهه ۱۹۲۰ قیمت نفت کاهش یافت و لذا، در سال ۱۹۲۸ استاندارد اویل نیوجرسی (اکسون)، رویال داچ شل و آنگلو-پرشین (بی پی) در آکناکاری اسکاتلند گرد هم آمدند و توافق کردند بازارهای جهانی را میان خود تقسیم کنند که این پیمان با عنوان پیمان خط قرمز / آکناکاری شناخته می شود (ECT, 2007: 54).

زمانی که ونزوئلا در سال ۱۹۴۸ موفق شد در موافقت نامه های انحصار تولید با شرکت های خارجی سهم ۵۰ درصدی از سود را به دست آورد، کشورهای دیگر تولیدکننده نیز آن را پایه ای برای موافقت نامه های خود با شرکت های بین المللی نفتی در نظر گرفتند. در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی کاهش تقاضای ناشی از رکود در اروپا و افزایش عرضه جهانی نفت سبب افت شدید قیمت های نفت شد در نتیجه درآمد کشورهای تولیدکننده نفت نیز کاهش یافت. درآمد این کشورها متأثر از نحوه قیمت گذاری نفت در قراردادهای بود و لذا، برای مقابله با چنین پدیده ای کشورهای ونزوئلا، ایران، کویت، عراق و عربستان سعودی در سال ۱۹۶۰ اوپک را تأسیس کردند. به مرور زمان نقش اوپک در بازار افزایش یافت و پس از وقوع شوک اول نفتی

توانست به نقش مسلط شرکت های نفتی پایان دهد (Bhattacharyya, 2011: 333).

سیستم قیمت گذاری نقطه مبنا یا سیستم قیمت گذاری گلف - پلاس

پس از سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۸۲، شرکت های عظیم نفتی تصمیم گرفتند رقابت را حداقل کرده و قیمت را کنترل کنند و بازار را نیز میان خود تقسیم کردند. این توافق سبب شد تا سیستم نقطه مبنا یا قیمت گذاری گلف-پلاس معرفی شود. بنابراین، خلیج مکزیک در آمریکا مبنای قیمت گذاری نفت قرار گرفت و این قیمت مبنا بدون توجه به منبع نفت خام، قیمت فوب خلیج مکزیک بود. برای ورود نفت به هر منطقه ای از جهان فرض می شد که نفت از خلیج مکزیک به سمت آن حرکت می کند، هرچند هزینه حمل از برخی نقاط کمتر هزینه حمل از خلیج مکزیک بود (Bhattacharyya, 2011: 328).

از آنجا که تولیدکنندگان نفت در خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس نقش مهمی در بازار پیدا کردند و مصرف کنندگان در تلاش برای کاهش هزینه ها بودند در سال ۱۹۴۵ خلیج فارس به عنوان دومین مبنای قیمت گذاری پذیرفته شد، البته این مبنا تنها برای محاسبه هزینه حمل بود و قیمت نفت هنوز هم بر اساس قیمت فوب در خلیج مکزیک تعیین می شد (Bhattacharyya, 2011: 328).

پس از ظهور شوروی - سابق - و در سال ۱۹۵۹ به دلیل بالا بودن حجم بالای صادرات نفت این کشور و همچنین افزایش تعداد شرکت های مستقل نفتی، سیستم قیمت گذاری مبنای گلف پلاس کنار گذاشته شد.

قیمت اعلام شده

در این سیستم قیمت ها برای نفت خام و فرآورده های نفتی اعلام می شد. قیمت های اعلام شده برای نفت خام بر اساس فوب در سرچاه بود و هزینه های جمع آوری آن را شامل

نمی‌شد در حالی که قیمت‌های اعلام شده برای فرآورده‌ها بر اساس فوب در پالایشگاه بود. در این حالت اساس قیمت‌های خریدار (یعنی ارائه قیمت به‌وسیله پالایشگران) بود و به‌عنوان قیمت مرجع برای تعیین مالیات و بهره مالکانه مورد استفاده قرار می‌گرفت. از آنجا که هریک از هفت‌خواهران نفتی به‌صورت افقی و عمودی ادغام شده بودند، کنترل زنجیره عرضه در فعالیت‌های بالادستی و پایین‌دستی نفت را به‌عهده داشتند و لذا، می‌توانستند کنترل بخش عظیمی از صادرات نفت کشورها را در دست داشته باشند. در این سیستم در عمل خریدار و فروشنده یکی بودند و لذا، این شرکت‌ها در تعیین قیمت‌ها نقش اساسی داشتند (کاملی، ۱۳۹۱: ۵۲).

سیستم قیمت‌گذاری اداره‌شده

در سال ۱۹۷۳ و پس از تقویت موقعیت اوپک در بازار، این سازمان تصمیم به بازنگری در موافقت‌نامه تهران گرفت و تقاضای افزایش قیمت‌های اعلام‌شده را کرد که شرکت‌های نفتی این تقاضا را رد کردند و مذاکرات شکست خورد. در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۳، اوپک اقدام به افزایش ۷۰ درصدی قیمت‌های اعلام‌شده کرد و آن را به ۵/۱۱ دلار/بشکه افزایش داد. روز بعد از این تصمیم نیز برخی از اعضای اوپک اقدام به تحریم نفتی رژیم اسرائیل و حامیانش کردند و سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت، صادرات نفت خود به آمریکا و سایر کشورهای حامی اسرائیل در جنگ اعراب-اسرائیل را متوقف کرد و این اقدام سبب افزایش شدید قیمت‌های نفت در بازار شد (Bhattacharyya, 2011: 328). در اوایل دهه ۱۹۷۰ برخی از کشورهای اوپک از شرکت‌های نفتی درخواست کردند تا سهمی در قراردادهای امتیاز انحصاری داشته باشند که سبب شد بخشی از نفت تولیدی را در اختیار بگیرند و لذا، برای این سهم از نفت نیاز به بازاریابی احساس کردند. بنابراین، روش جدید

قیمت‌گذاری شکل گرفت تا این مشکل مرتفع شود و قیمت رسمی فروش یا قیمت دولتی فروش معرفی شد که هنوز هم به‌وسیله برخی از تولیدکنندگان نفت در خلیج فارس مورد استفاده قرار می‌گیرد. نبود تجربه در بین این کشورها سبب شد تا آن‌ها سهم خود را به شرکت‌ها بفروش کنند ولی این فروش بر اساس قیمت بیع متقابل انجام شد. بنابراین، در اوایل دهه ۱۹۷۰ سه روش قیمت‌گذاری یعنی قیمت اعلام‌شده، قیمت رسمی فروش و قیمت بیع متقابل وجود داشت که این سیستم کارآمد نبود و مصرف‌کنندگان می‌توانستند با قیمت‌های متفاوت نفت را خریداری کنند و لذا عمر آن نیز کوتاه بود (کاملی، ۱۳۹۱: ۵۴).

در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۴ پس از روش بیع متقابل و به‌دلیل قدرت گرفتن اوپک سیستم قیمت‌گذاری اداره‌شده ظهور پیدا کرد و لذا اوپک توانایی قیمت‌گذاری را پیدا کرد. در این سیستم، نفت خام سبک عربستان به‌عنوان نفت خام مرجع معرفی شد. سپس هریک از اعضا قیمت رسمی فروش را برای نفت خود اعلام می‌کردند. تفاوت قیمت نفت خام‌ها با نفت مرجع بر اساس عوامل گوناگونی همچون عرضه و تقاضا، خصوصیات نفت و همچنین قیمت فرآورده‌های نفتی اعلام می‌شد (Bhattacharyya, 2011: 328).

قیمت‌گذاری خالص بازگشتی/نتبک

در سال ۱۹۸۲ سیستم سهمیه‌بندی از سوی اوپک برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت معرفی شد و در نتیجه عربستان سعودی به‌عنوان تولیدکننده شناور می‌بایست تولید خود را بر اساس شرایط بازار تعدیل می‌کرد تا از قیمت نفت مرجع حمایت کند. رکود اقتصادی در جهان، افزایش تولید نفت غیروپک، پیشرفت‌های تکنولوژی و جایگزینی سایر سوخت‌ها با نفت سبب کاهش تولید نفت و از دست رفتن بازار عربستان شد. در نتیجه عربستان تصمیم گرفت که از

مکانیسم و مدل‌های قیمت‌گذاری نفت خام

مشخص با نفت شاخص، هزینه حمل آن تا بازار و همچنین وضعیت عرضه و تقاضای آن است. عواملی همچون میزان گران روی، محتوای سولفور، وضعیت عرضه و تقاضا و بازدهی پالایشی در تعیین ارزش نقش دارند (Roncaglia, 2011: 160).

آژانس‌های گزارش‌گر قیمت، ارزیابی نفت خام‌های شاخص را با توجه به اطلاعاتی که از بازارهای خارج از بورس، معاملات فیزیکی بازار تک‌محموله و سلف و همچنین بازار آتی‌ها مشاهده و جمع‌آوری می‌کنند، انجام می‌دهند (Fattoh, 2011: 30).

در قیمت‌گذاری فرمولی شناسایی قیمت شاخص فیزیکی بازارها بحث اصلی است. شاخص‌هایی همچون WTI، ASCI، برنت مدت‌دار و دوبی. قیمت این نفت خام‌های شاخص که به‌طور عمده به قیمت‌های بازار تک‌محموله اشاره دارد، محور سیستم قیمت‌گذاری نفت است (Fattoh, 2011: 30). قیمت این شاخص‌ها به‌وسیله شرکت‌ها و معامله‌گران تحت قراردادهای بلندمدت یا معاملات نقدی در بازارهای فیزیکی و بازارهای بورس برای تسویه قراردادهای مالی مورداستفاده قرار می‌گیرد.

در حال حاضر بسیاری از کشورها برای قیمت‌گذاری نفت خود به‌جای شاخص‌های بازار فیزیکی از شاخص بورس‌های نفتی مانند متوسط وزنی برنت (BVAVE)، که بر اساس قیمت بازار آتی‌های برنت به‌دست می‌آید، استفاده می‌کنند. بنابراین، استفاده از این شاخص‌ها به‌جای شاخص‌های فیزیکی رواج یافته است به‌ویژه BVAVE متوسط وزنی مظنه‌های قیمت آتی‌ها برای یک قرارداد مشخص در بازار بورس آتی‌ها در طی یک روز کاری است که وزن آن نیز بر اساس سهم هر یک در حجم معاملات در آن روز به‌دست می‌آید (Fattoh, 2011: 24).

قیمت نفت مرجع دفاع نکند و با معرفی این روش قیمتی تلاش کرد که سهم ازدست‌رفته خود را به‌دست آورد و لذا جنگ قیمتی درگرفت و در مدت کوتاهی قیمت به کمتر از ۸ دلار در هر بشکه رسید. در این روش، قیمت نفت خام بر اساس قیمت فرآورده‌های نفتی تعیین می‌شود (کاملی، ۱۳۹۱: ۵۷). در حقیقت با توجه به قیمت بین‌المللی فرآورده‌های نفتی ارزش وزنی آن محاسبه شده و سپس با کسر هزینه‌های پالایشی و انتقال آن، قیمت نفت خام قابل محاسبه خواهد بود. این روش قیمت‌گذاری پس از مدت کوتاهی منسوخ شد (ECT, 2007: 73).

قیمت‌گذاری بر اساس بازار یا قیمت‌گذاری فرمولی

پس از سقوط قیمت‌ها در سال ۱۹۸۶ و استفاده نکردن از روش قیمت‌گذاری خالص بازگشتی، شرکت ملی نفت مکزیک روش جدیدی را معرفی کرد که بر پایه سیستم قیمت‌گذاری بازار بود و شاخص‌های نفت و فرآورده‌های نفتی در بازار آمریکا قیمت نفت خام را تعیین می‌کردند. این سیستم به‌سرعت موردپذیرش کشورهای صادرکننده نفت قرار گرفت و از سال ۱۹۸۸ روش اصلی قیمت‌گذاری در تجارت بین‌المللی نفت شده است (Fattoh, 2011: 20).

به‌طور کلی نفت خام از طریق قراردادهای متنوعی فروخته می‌شود. بعد از معرفی نفت خام‌های شاخص، قیمت‌گذاری نفت به تدریج شفاف شد (کاملی، ۱۳۹۱: ۶۰).

در حال حاضر قیمت شاخص‌های بازار از سوی معامله‌گران، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به‌منظور قیمت‌گذاری محموله‌های نفتی در قراردادهای بلندمدت یا معاملات تک‌محموله مورداستفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، قیمت‌گذاری فیزیکی نفت خام‌ها بر پایه روش فرمولی و در نظر گرفتن یک نفت خام شاخص انجام می‌شود. فرمول اتخاذشده بر پایه اختلاف در ویژگی‌ها و کیفیت نفت خام

در سیستم فعلی قیمت‌گذاری، قیمت‌های شاخص نقش مهمی را ایفا می‌کنند و لازم است ویژگی‌های مهم نفت خام‌های شاخص را شناخت. ارزیابی قیمت‌ها به وسیله آژانس‌های گزارش‌کننده قیمت که مهم‌ترین آن‌ها آرگوس و پلاتس هستند، انجام می‌شود. آژانس‌های گزارشگر قیمت، بر اساس اطلاعات مربوط به معاملات انجام‌شده که قابل مشاهده بوده یا بر اساس پیشنهاد قیمت برای خرید و فروش، معاملات ناموفق، سایر اطلاعاتی که از طریق عوامل این آژانس‌ها جمع‌آوری شده و همچنین اطلاعات مربوط به بازارهای بورس اقدام به ارزیابی قیمت می‌کنند (Fattoh, 2011: 25).

کتاب‌شناسی

- امامی‌مبیدی، علی، امیرمعینی، مهران و وافی‌نجر، داریوش (۱۳۹۵). «اصول و مبانی قیمت‌گذاری نفت در جهان»، هزاره سوم اندیشه. کاملی، علی‌رضا (۱۳۹۱). «مکانیزم معاملات نفت خام در بازارهای فیزیکی». مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- Bhattacharyya, Subhes, C. Energy Economics: Concepts, Issues, Markets and Governance, Springer 2011
- Doshi, T. K. & D'Souza N. S "The 'Asia Premium' in Crude Oil Markets and Energy Market Integration" Deepen Understanding and Move Forward: Energy Market Integration in East Asia. ERIA, 2011
- Fattoh, Bassam. An Anatomy of the Crude Oil Pricing System, The Oxford Institute for Energy Studies, 2011
- Putting a Price on Energy: International Pricing Mechanisms for Oil and Gas. Energy Charter Secretariat, 2007
- Roncaglia, Alessandro. Oil and Its Markets. PSL Quarterly Review, vol. 68, 2015

مهران امیرمعینی

شرکت ملی نفت ایران